

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مد (جله دوم)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۴/۵/۳

ان شاء الله که ماه مبارک رمضان بر شما خوش گذشته باشد و طاعات مورد قبول خدا قرار گرفته باشد، شب قدر را درک کرده باشیم، قدرمان تا عرش بالا رفته شده باشد و همه این اتفاقات به برکت صلوات افتاده باشد **صلوات** تبّ: استمرار در کاری که فرد را به هلاکت می‌رساند.

تبّ خسروانی است که منتهی به هلاکت می‌شود و این معنی با سوره عصر بسیار ارتباط پیدا می‌کند. پس تبّ ۲ قید خسران و هلاکت دارد. هلاکت به معنای برگشت ناپذیری است، تبّ خسروانی است که هلاکت آن برگشت پذیر نیست، و فقط بحث هلاکت نیست بلکه یک خط استمرار و امتداد دارد. ید: قوای اجرایی است.

در این سوره می‌گوید یدا (دو دست)، می‌توانیم توان اجرایی را ید بگیریم. می‌توانیم یدا بگیریم، یعنی دست چپ و راست.

لهب: ظهور هیجان و آشکار شدن غلیان یک چیز.

لهب وقتی در مورد آتش بکار می‌رود به معنای هیجان آتش است، یعنی شدت سوزش و اشتعال.

ابی لهب: مدیریت هیجان / اسوه و شاخص.

واژه اب با ام فرق می‌کند، ام به معنی منشأ و اب به معنی مدیریت است.

اب واژه تدبیر است و مثل رب است، با این تفاوت که الف این ر شده است. زیرا الف یک وضعیت تکوینی را هم می‌رساند.

مدیریت: محل صدور/ اسوه: رهبری و قابلیت تبعیت/ شاخص: ارزیابی.

اب: تهیؤ / آماده کردن/ مهیا کردن.

رب: سوق دادن شی به سمت کمال / مدیریت شی به سمت کمال و هدایت.

ابو: تربیت مادی یا معنوی، که به آن سرپرست می‌گوییم چه مادی و چه معنوی.

ابو با رب ارتباط پیدا کرد، چون مدیریت دارد در عین حال با رب هم ارتباط پیدا می‌کند بنابراین ابو ترکیب رب و اب است.

در آیه دوم، "ما"ی دوم:

ما مصدریه: کسب کردن او، که اینجا به فعلش اشاره می‌کند.

ما موصوله: آنچه کسب کرد(اندوخته).

مال مطلق دارایی و ماکسب دست رنج است، معلوم می‌شود که نیازهای انسان از دونا حیه مرتفع می‌شود: یکی دارایی‌های او که ممکن است از هر منطقه‌ای رسیده باشد و دیگری دست رنج‌های او. البته در نیازهای حقیقی خدا ماکسب را به کار نمی‌برد، بلکه "ما عملوا" بکار می‌برد. وقتی خسارت را مطرح می‌کند ما عملوا را تبدیل به ما کسب (دست رنج) می‌کند.

مال و کسب خارج و زاید از وجود انسان است و در قرآن منفی است. ذاتی فرد نیست و قابلیت جدا شدن دارد.

صلی: نزدیک کردن و در معرض قرار دادن. کاری که امتداد آن آتش است.

صلی از یک جهت اشاره به قانون املاء و استدراج دارد و از طرف دیگر قانون و وعده الهی را نشان می‌دهد. با توجه به سین "سیصلی" از این آیه فهمیده می‌شود که ابولهب ناگهان دچار عذاب نشد.

وقتی یک سوره نازل می‌شود دارای مخاطب‌های متعددی است و هر کدام از مخاطبین اثری می‌پذیرند.

در این سوره مخاطب اول که مستتر است و اصلی است، پیامبر(ص) است و مخاطب اول منفی اش ابولهب است و مخاطب دومش یاران پیامبر(ص) است و مخاطب دوم منفی یاران ابی لهب است. مخاطب سوم تماشاگران هستند.

برای مخاطب اول، پیامبر(ص): حمایت و نصرت و قرب است.

برای مخاطب اول، ابی لهب: خذلان و بعد است.

برای مخاطب دوم، یاران پیامبر(ص): نصرت و تحقق وعده است.

برای مخاطب دوم، یاران ابولهب: دوری و تحقق وعید است.

برای مخاطب سوم، تماشاگران: اتمام حجت است.

قطعا نزول سوره ثمرات عینی و آنی هم داشته است. بر اساس فرهنگ قرآن نزول هر سوره ای خودش معجزه است. اعجاز قرآن پس زمینه وحی است.

وقتی سوره تبت ید ابی لهب آمد این معجزه اتفاق افتاد و ابی لهب از کار افتاد، اگر این چنین شد فقط خبرش قابل تعمیم برای دیگران است.

سوره مبارکه مسد اعجازی از معجزات ختمیه (معجزات پیامبر ص) است که در طی آن تدبیرها و توان جسمی ابی لهب از کار افتاد و در اثر این معجزه آزارهای او تمام شد. ممکن است بعد از این کار ابی لهب تکرار شود ولی قانون جاری بر ابی لهب بر او جاری نشود.

در این سوره اعجاز قرآن قطعی است و قرآن در هر حالتی معجزه است. قانون مربوط به ابی لهب در هستی جاری است. اگر قرآن اعجاز باشد این اعجاز دائمی است و این مربوط به همه آیات است.

مرء: موافق طبع / گوارا بودن

امراه: زن

وامراهه یعنی ابی لهب با این زن و این زن با ابی لهب توافق کامل داشته و کار اذیت پیامبر(ص) با هماهنگی کامل صورت گرفته است.

علامه مصطفوی:

مرء: شخصیت، استقلال، استقامت و امراء هم به همین معنی است. مرء همیشه منظور زن بودن نیست. در همه موارد وقتی کلمه مرء یا امرأه می آید به شخصیت، استقلال و استقامت (دارای صفات متمایز مستمر) دلالت دارد.

حمال بر وزن فعال که از حمل می آید.

حمل: برداشتن بار (ثقل)، چیز سنگین برداشتن (برپشت)، برداشتن آنچه سنگین است.

شغله حمال: حمل کننده مشکلات.

حطب: آنچه به واسطه آن آتش برافروخته می شود مثل سخن چینی.

همه صفت‌ها:

- ویژگی مفعول + فعال ---- شناخت شخصیت

- فعال + مفعول ----- شخصیت

حمّالہ الحطب: بسیار حمل کننده هیزم که دو رویکرد به صفت دارد:

۱. در هنگام نیاز به حطب، او می تواند حطب آور خوبی باشد (مدیریت بیرونی).
۲. استعدادی که می تواند مدیریت کند و به اندازه کافی هیزم جمع کند و بیاورد که این کاملاً شخصیت است (مدیریت درونی).

آن صفاتی که مدیریت درونی آن را دارید، شخصیت تان در آن مسیر است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات